The Participles of the Russian Language in the Mirror of the Persian Language

Saeedeh Dastamooz*

Assistant Professor, Department of Russian Language, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract
The present investigation has been tried to study participles in the structure of the Russian sentences, the current translations and although it has been provided approaches for accurate matching this category of the grammatical area in the Persian Language. In this study, the constructive method, analysis of examples and translations have been used. Regarding examining the hypothesis that the syntactic role of participles of the Russian language could be effective for correct interpreting of this case in the Persian language, 90 sentences including participles have randomly selected from novels interpreted from Russian into Persian. For instance; Home of the Gentry by Turgenev, War, and Peace by Leo Tolstoy and The Government Inspector by Nikolai Gogol were picked and the procedure of the translating was assessed, finally, the equivalents considered for the participles were examined. The principal hypothesis for the research is: could the participle, as a unit of translation in the Russian text, find a suitable equivalent among the linguistic units of the Persian language? Whether the provided translations reflect the exact meaning of the adjective verbs in the Russian language? What is the solution? The history of linguistic research in the field of the Russian language proves that the question of the lexical and grammatical characteristics of participles was very controversial. The existence or absence of this grammatical category in Persian also raises
many questions, and a lot of research has been done in these areas. Despite the research done, there are still many problems in this area. The novelty of this study lies in the fact that for the first time it considers the Russian participle a translation unit when translated from Russian into Persian. Taking into account the basic rules include translating from Russian into Persian, further we will check the correctness of the hypothesis and proposals of our research. Some scholars believe that each of the morphological and syntactic structures used in the original language is an individual style of the author, and if we intend to make an original and correct translation, we must preserve the morphological and syntactic structure of the original text. In this study, it is assumed that the participle in Russian can be considered a unit of translation into Persian, and the translator can take into account the syntactic role of the participle in the sentence and choose a logical approach for its accurate translation. Based on the basic needs of translation, the following suggestions are provided for translating Russian language participles into Persian:

1. If we have the participial constructions in a Russian sentence, to translate it into Persian we must use an explanatory dependent sentence with the conjunction "άλλα";

2. If a participle precedes a noun and serves a descriptive role, it must be translated using the adjective or adjectival phrases or the adjectives formed based on verbs;

3. In order to translate the substantive participles of the Russian language into Persian, we must use Persian nouns.

4. In order to translate a participle that has a propositional role, we must use a conjugated Persian verb.

Of the 90 examples reviewed, translation of 46 sentences matched the hypothesis of our study; however, in the translation of 44 cases, either the participle was not translated at all, or there was no exact equivalent for it, or
words that do not exist in the original text were used to convey the meaning of the participle. Consideration of the research hypothesis showed that in the examples there are cases when their translation corresponded to the research hypothesis, and cases when the proposed rule was not used to translate them. We considered these cases and the possibility of correcting them using the hypothesis of our research. For example, this Russian sentence «Это топор, зажаренный вместо говядины» is passive, but for its translation in Persian was used active sentence «یه-جاگی گوشته گاو، تبر یخته-اید (بازرس)». Because of this, the structure and atmosphere of the Russian and Persian sentences are different. The proposed translation, corresponding to the hypothesis of our research, is as follows: «این تبری است که بجاگی گوشته گاو، سرخ.» Obviously, using these two sentences in conversational situations will have different consequences for listeners. Whereas the translation should be provoked a reaction similar to the original text. In this Russian sentence: «Без сомнения, проезжий чиновник захотел, прежде всего, осмотреть подводящие к вам богоугодные заведения.» equivalent to the composition «проезжий чиновник» was choose «ماموری گه می‌آید» can be replaced by a descriptive combination according to the research hypothesis «سکه، مامور در حال عبور، قابل از هر جایی تماشای نیست از مؤسسات خیریه زیر نظر شما را خواهد داشت.».

The participle was made of the verb «проезжать», and the concept of passing, which is at the root of the verb, must be reflected in the translation of the participle. An analysis of existing translations and a review of the translatability of examples in accordance with the hypothesis of our study confirms the effectiveness of this hypothesis in choosing equivalents for various types of participles in Russian. The participles of the Russian language can be considered as a unit of translation into Persian.

By defining the syntactic role of participles and using the hypothesis
presented from this study to translate different types of participles, a step can be taken to standardize the translation of participles. In addition, it is possible to use the achievements of this research in machine and electronic translation.

**Keywords:** Participles, Syntactic Role, Equivalence, Translation Unit, Russian Language, Persian Language
صفتهای فعلی زبان روسی در آئینه زبان فارسی

سعیده دستآموزی

انتشار گروه زبان روسی دانشگاه آموزش دیپلمات ایران (س): تهران، ایران.

پایش: 1399/1390

چکیده

در این پژوهش سعی بر آن است تا با بررسی صفت فعلی در ساختار جملات روسی و ترجمه‌های موجود، راهکارهایی برای معاوضه‌دانی دقیق این مقوله دستوری، به زبان فارسی ارائه شود. در این جستار که با استفاده از شیوه تحقیق مقایسه‌ای و آنالیز مثال‌ها و ترجمه‌ها انجام شده است، با هدف آزمودن این فرضیه که نقش نحوی صفت فعلی زبان روسی در معاوضه‌دانی درست این مقوله دستوری در زبان فارسی می‌تواند مؤثر باشد، 90 جمله‌ای درایف صفت فعلی به‌طور تصادفی از ترجمه‌های آتیرو تهیه آن‌به‌شناسه‌ای اشراف ایران ترجمه شدند و سپس میزان تایید و بی‌بزرسی تکمیلی که گویی برای انتخاب صفت فعلی در زبان فارسی در نظر گرفته شده‌اند، با روشی نزدیک‌ترین صفتی مطرح شد. بررسی اصلی تحقیق این است: آیا صفات فعال می‌توانند یک‌واحد حاکم بر ترجمه در متن مبدأ باشند؟ واحدهای مستقل زبانی در زبان فارسی معاوضه‌دانی شوند؟ آیا ترجمه‌های آن‌ها در ساختار دقیق صفت فعلی زبان روسی را معکس می‌کنند؟ راه حل چیست؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که در ترجمه‌های موجود روسی بکارگیری برای معاوضه‌دانی این مقوله دستوری انتخاب نشده است و معاوضه دارای دقت کافی نیستند. بنابراین، پیشنهاد پژوهش حاضر می‌تواند برای معاوضه‌دانی دقیق صفت فعلی در زبان روسی به‌عنوان یک واحد ترجمه کارآمد باشد. از دستاوردهای پژوهش حاضر می‌توان در ترجمه‌های ماشینی و الکترونیک استفاده کرد.

واژه‌ای کلیدی: صفت فعلی، نقش نحوی، معاوضه‌دانی، واحد ترجمه، زبان روسی، زبان فارسی

1. مقدمه

در دهه‌های اخیر در علم زبانشناسی توجه زیادی به تعامل بین زبان‌های گوناگون و تحقیقات

E-mail: s.dastamooz@alzahra.ac.ir

نویسنده مسئول مالک
مقابلتهایی یافت شده است. به عقیده بسیاری از زبان‌شناسان تحقیقات مقابلتهایی که ما کنک می‌کنند تا به‌طور معمول مقام‌های زبان‌پژوهان و تولید و قوانین و قواعد بین آنها را کشف کنیم از سوی دیگر، تحقیقات مقابلتهای با هدف آموزش ترجمه در حل بسیاری از مشکلات آموزش زبان خارجی مؤثر خواهد بود.

بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران حوزه ترجمه بر این باورند که از آنجا که ترجمه به‌منظور کار بر روی زبان است، می‌باید بیشترین مطالعات زبان‌شناسی است. به این مفهوم که باید ارتباط بین دو زبان و ابزارهای سیستم‌های آنها مشخص شود و ترجمه‌پذیری منقابل بررسی شود. از سوی دیگر، همان گونه که در زبان‌شناسی، مفهومی به نام واحدهای زبانی وجود دارد، در ترجمه نیز مفهومی به نام واحدهای ترجمه تعریف شده است.

در این پژوهش به یک هدف مداخله‌ای دقت برای صفات فلسفی زبان روسی به زبان فارسی انجام گرفته و به شیوه تحقیق مقابلتهای و انتالوژی مثال‌ها و ترجمه‌ها استفاده شده است. پرسشنامه اصلی پژوهش به این شرح است: آیا صفات فلسفی زبان روسی می‌توانند یک واحد حاصلی برای ترجمه ترجمه‌پذیر با دو نظر و به واحدهای مستقل در زبان فارسی مداخله‌ای شوند؟ آیا ترجمه‌های انتالوژی در اثر از زبان روسی به زبان فارسی مفهوم دقت صفات و احکام فلسفی زبان روسی را منعکس می‌کند؟ راه حل چیست؟

این فرضیه مطرح است که صفات فلسفی زبان روسی می‌تواند به‌منظور یک واحد ترجمه با زبان فارسی در نظر گرفته شود و متوجه می‌تواند با توجه به نقش نویس صفات فلسفی در جمله روش‌گرده قانون برای مداخله‌ای دقت آن اتخاذ کند.

2. بیشینه‌ی پژوهش

در پژوهش‌های زبانی موارد رابطه میان ترجمه و زبان‌شناسی، زبان‌شناسی مقابلتهای و نقش آن

\textit{Ещенко} и др., 2018; \textit{Тарасова}, 2011; \textit{Гарбовский}, 2007; \textit{Федоров}, 1983

در فراگیر آموزش زبان مورب به بوده است. (1)

سخن به‌طور میان‌آورد و از آن به‌منظور یکی از ابزارهای مربوط به تحلیل‌های زبان‌شناسی یاد کرد.
است. یا معنید است که محصولی به‌ونی در عین داشت نگارش ترجمه مشکل اصلی زبان و مشکل تعمیرکننده زبان شناسی است و هر گونه مقایسه بین دو زبان به بررسی ترجمه‌پذیری تقابل بین آنها نیاز دارد (1985: 18). ترجمه‌پذیری معنی‌‌گزینه‌ها را از مهم‌ترین یافته‌های مربوط به فرهنگ و زبان پایه منتیکه ترجمه‌ی زبان‌شناسی بین‌بنایی محصولی می‌شود (184: 2007). به اعتقاد گاردیان فیلچند فکر یکی از بیان‌های ترجمه‌های مهم‌ترین موضوع در حوزه ترجمه ترجمه رابطه بین متن اصلی و ترجمه و توجه به تفاوت فرهنگی است که در مجموعه‌های خاص نیاز به توضیح و تبیین دارد (207). به اعتقاد راشان رسی برخودار نمی‌تواند این دیدگاه مسئولیتی که به روش می‌ترجمه در فرآیند ترجمه قرار دارد، جستجوی واحدیان بازی ترجمه در متن مبداً است (174: 1975).


از سوی دیگر، در تعریف این مقولة دستوری در فرهنگ‌های روسی نظر نژادی بازکردها در تعیین ماهین صفات فعلی و تعریف آنها وجود دارد. برای مثال، آخمانی در فر رهنم و استراتیا دستوری صفات فعلی در زبان روسی به‌منظور شکل استفاده و یاد می‌کند که شیبی صفات صرف می‌شود و بیانگر عمل؛ حالا یا برایندی هستند که یک شخص یا چیز نسبت داده می‌شود و ویژگی‌های آن را در بستر زبان نشان می‌دهند (363: 2010). این در حالی است که از گروه در فر رهنم تفسیری خود صفت فعلی را قسم فعلی خواندن است: "صنف
فعالیت فعالی است. کلمه‌ای است که هر ماه با ویژگی‌های فعال (زبان، جهت فعال) نمود می‌کند.

(اوژنوف، 2010: 488)

ویژگی‌های صفت (جنس، صرف) را نیز داراست.

میلانسلوسکی از صفت فعال به‌منظور فرم غیرشخصی فعال یاد می‌کند و معتقد است که صفت فعال سیب ایجاد به‌دست ایجاد در سیستم صرفی زبان روسی می‌شود که بیان‌های زیادی به زبان‌های پیوندی دارد (آمیار و ایجاد اتصال بودن) که در صفت فعال زبان روسی برخورد است و ویژگی‌های خاص خود را دارد. هر یک از پسوند‌هایی که بیان فعال مربوط می‌شوند، معنا دستوری به شماری دارد، این در حالی است که در زبان‌های پیوندی پسونده‌های ویژگی‌های صفتی را یک معنی را بیان می‌کند (میلانسلوسکی، 1981: 233)

اکر بخواهیم به صفت فعال برهنه یک واحد ترجمه از زبان روسی به زبان فارسی بپردازیم، در ابتدا به‌اید وجود صفت فعال در زبان فارسی را بررسی کنیم. مطالعات کتاب‌خانه‌ای صورت‌گرفته نشان داده که در زبان فارسی اجزای مشتق‌شده از فعل بر اساس نقش مستوری که می‌پذیرد، نام‌گذاری شده‌اند. برای مثال، بروز نام‌های خانوادگی (۱۸۸۸: ۱۴۷) در کتاب دستور زبان فارسی، اجزاء مشتق‌شده از فعل را که در ساخت برخی از کلمات فارسی به‌کار می‌روند، به ۳ دسته تقسیم می‌کند. صفت فعالی که آن آن پسوند «نده» است، مثل واژه‌کنده‌ها. ۲ صفت معفولی که آخر آن است، مانند واژه‌شکسته و ۳ صدر و بیشتر از مانند واژه‌شکسته بررسی‌ها نشان داده، بیشترین پژوهش‌ها در صفت‌شکسته و مطمئن‌کننده واژه‌بندی می‌باشند. صفت مفعولی به صفت فعال در حوزه صفت‌های صورت‌گرفته از صفت‌های مفعولی صورت‌گرفته در زبان فارسی گرفته‌اند (قبری و همکاران، ۱۹۸۱: ۲۶۱-۲۶۲; قبریان چمپور، ۱۹۸۳: ۲۶۱-۲۶۲). وجدیان کامکار معتقد است تمامی صورت‌های موسم به صفت مفعولی نیستند. به‌منظور مثال از ابوالکیا نظر «بنه»، رسمی از نظر ایفیافه، معنا را می‌کند که در زبان گفتگویی صورت‌گرفته است و (۱۸۸۸: ۱۴۷). پوری روبنیچ، ۵۰ زبان‌شناس روسی، که پژوهش‌های کدره‌ای در حوزه زبان فارسی انجام داده است و کتاب ارزشمند مستقر زبان فارسی معیار را در سال 2001 به زبان روسی تأیید کرده است. اعتقاد دارد: صفت فعال زبان فارسی یکی از بحث‌برانگیزترین و پیچیده‌ترین پدیده‌های زبان است و با بسیاری از انواع واژگان ویژگی‌های مشترک دارد (269: ۲۰۰۱). وی اصطلاح صفت فعال را برای کلیات مشتق-
شده از فعل استفاده می‌کند. باید روبروی روپیشک صفات فعلی زبان فارسی را به سه دسته صفات
فعال زبان کننده، صفات فعلی زمان حال و صفات فعلی التزامی تقسیم می‌کند. به عقیده او در
زبان فارسی صفات فعلی زمان حال با «شه»، «آن» و با «یا» ساخته می‌شوند، و روند و
روا. صفات فعلی زبان کننده با «یا» ساخته می‌شوند، مثل رفته و صفات فعلی التزامی با «ی»
ساخته می‌شوند. مثل رفتی.

او اضافه می‌کند که تمامی این صفات فعلی در زبان فارسی معیار مدارک نیستند و از بعضی

از سوی دیگر، صفت فعلی روسی در ایران موضوع پژوهش برخی از زبان‌شناسان و
استادان زبان روسی قرار گرفته است. لسانی (1382: 5) برای نخستین بار در سال
مطالعاتی با عنوان «مقایسه صفات فعلی فاعل و مفعولی در زبان فارسی و روسی» به بررسی
توجه کرده و مطابق‌های این مقاله‌های دستوری در مطالعه زبان فارسی و روسی پرداخته است. سیفی در سال
1384 در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «عبارات صفات فعلی روسی و مشکلات بین آن‌ها
در زبان فارسی» نشان داد با عنوان «عبارات صفات فعلی روسی را مطالعه کرده است. سیفی (1384: 5) در
مطالعات خود از مطالب داشتن جملات مربوط با حرف ربط با یک جمله روسی که در
ساختار خود دارای عبارت صفت فعلی هستند، سخن به میان آورد و است و به موضوع وجود
جملاتی با حرف ربط (که) در زبان فارسی اشاره کرده است.

ویلپور (1382: 2) در مقاله‌ای با عنوان «مهمت تطبیق معنایی و ساختاری کلمات در هنگام
ترجمه و تأثیر فرهنگ» مشخص کرده است که صفت فعلی و صفت فعل چون از
مشتق‌های فعلی ساخته می‌شوند، دوهره‌های روسی ندارند و آن‌ها را زیرمجموعه فعل
دانسته است.

امیدی و شیخی (۱۳۸۷: 17) نیز در پژوهش خود به بررسی ترکیب‌های فعل زبان روسی از
نوع «صفت فعل + اسم/ اسم/ اسم/ اسم/ اسم/ اسم/ اسم» به این نتیجه رسیدند که این نوع ترکیب‌های با صورت «اسم + اسم» صفت + اسم، اسم مفعول + اسم و با یا حتی به صورت «اسم فاعل» به زبان فارسی بایان می‌شوند اما ترکیب‌های
فعلی از نوع «صفت فعل + مصدر»، «صفت فعل + مصدر» در پیش‌تر مورد در زبان فارسی در
سطح ترکیب و از آن بیان نمی‌شود و ترجمه‌های فارسی آن‌ها به طور کلی ترکیب و از آن نیستند: بلهکه
صفحه های فلسفی زبان روسی...

جهان از یک جمله مرکب هستند. زهرا پی (۱۳۸۲) معنی است آنچه در زبان روسی صفت فعل نامیده می‌شود، در زبان فارسی معادل ندارد و صفات فعل روسی در زبان فارسی، عدماً به‌کلاجمله‌های پیرو در ساختار جمله‌های مرکب وابسته و همچنین، به‌کلاج صفات مفعولی ترجمه می‌شود. در خارج از ایران یک دانشجوی دکتری آذری‌پژوهی به‌نام رستم در سال ۱۹۸۹ مسئله‌ی زیگی‌های واژگانی دستوری صفات فعلی و قید فعل را در زبان فارسی و آذری‌پژوه

بررسی کرد. به اعتقاد او صفت فعل در زبان فارسی از طریق قبیلیت اسم شدن، صفت شدن و قید شدن وارد اقسام دیگر کلام شده است. با این‌حال، می‌توان از بین آنها معادل‌های برای صفات فعلی روسی انتخاب کرد. (1989: ۱۲) رستم، در تحلیل مطالعات خود درخصوص ترجمه صفت فعلی به این نتیجه رسیده که ترجمه مؤثر از عناصر

گرامری، لغوی و مفهومی صفت فعلی را از زبان اصلی به زبان مقصد منتقل کند.

(الکساندرووا & بلوخینا، ۲۰۱۶: ۲)

با وجود پژوهش‌های انگیزه‌های هنری هم در درک و ترجمه صحیح ساختارهای نحوی با صفات فعل مشکلاتی برای زبان فارسی و صفت فعل در

ساختارهای نحوی زبان روسی به‌نسل‌های پی‌ویک و اجرای ترجمه به‌زبان فارسی است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

توجه و پایین‌ندی بصورت و ساختار زبان مقصد از وظایف اولیه هر ترجمه است؛ اما به این معنی که ترجمه باید زندگی‌کردن صورت به صورت اصلی را در زبان مقصد انتخاب کند تا این

طريق بتواند بهترین و زندگی‌کردن معادل متین اصلی را در زبان مقصد ارائه دهد (متفق اداری.

۱۳۸۳: ۶۱-۶۲). با وجود این به‌حالین خیال‌ها در کتاب ترجمه کاربرد ریشه‌شناسی نیست. در ترجمه، می‌تواند: "هم‌دست هر یک از دوی ابدی اند یک نوشته در نحوه زبان مقصد و مقیسه نحو زبان مبدا شنیده است" (۱۳۸۰: ۱۴۵). علی‌کساندرووا و بلوخینا (۴: ۲۰۱۶) نیز

معتقدند که بخشی ساختارها در زبان وجود دارد که در زبان دیگری نیست و بدون نمایشگر گرفتن

این ساختارهای گرامری، حفظ معنای متین با مشکل رویکردهای خواده بود و اگر ترجمه به

۱۴۰
ساختارهای گرامری ذبیحهای مختلف توجه نکن و ساختار ذبیحی را به ذبیح دیگر تحمیل گردد. آنگاه ترجمه تحت‌الفظی، غیراصولی و گنگ خواه بود این همان نقص ساختاری است که سپی می‌شود مترجمان از اقتباسات استفاده کنند (مرادی‌قمی و قنوتی، ۱۳۹۱: ۲۰۲). از سوی دیگر، برخی از پژوهشگران معقدانه هر کام از ساختارهای صرفی و نحوی که در ذبیح میادی به کار رفته سبک نویسندگی بوده است و اگر به‌واهی ترجمه باصالتی انجام دهیم باید به ساختارهای صرفی و نحوی متن مبدأ وفادار باشیم. برای مثال، استفاده از ساختارهای مهجور در متن مبدأ به‌دلیل پنهان‌سازی اطلاعات است. اگر مترجمن از ساختارهای معلوم در ترجمه استفاده کند، نگرش خاص خود را به خوانندگان تحمیل کرده است (امیر شجاعی و قریشی، ۱۳۹۵: ۲۰۲). بنابراین، تغییر ساختار ذبیح میادی به‌وسیله مترجمن حتماً باید دلیل خوب و قانع‌کننده داشته باشد. اگر بتوان معنا یک جمله را با همان ایزابه‌های ذبیحی ذبیح میادی منتقل کرده بهترین کار همان ساخت میاد. مترجمن بد کسی است که بدون هیچ دلیل خاصی دست به تغییرات ساختاری و واژگانی می‌زند (گوهری، ۱۳۹۶: ۲۰۲).

به‌صورت کلی چهار نیاز اصلی ترجمه عباراتند از: ۱) ساختار معنی، ۲) انتقال روح و حالت متن، ۳) دارا بودن صورت طبیعی و ساده از عبارات و ۴) ایجاد واقع مشابه (بندی، ۱۳۸۹: ۹۹).

تا در نظر گرفتن نیازهای اصلی ترجمه در ادامه به تکیی فرضیه و پیشنهادات پژوهش خواهیم پرداخت و درستی آنها را بررسی خواهیم کرد.

3. تکیی فرضیه و پیشنهادات پژوهش

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، در پژوهش حاضر این فرضیه مطرح است که صفت فعلی ذبیح روستی می‌تواند به‌منزله یک واحده ترجمه به ذبیح مارسی درنظر گرفته شود و مترجمن می‌تواند با توجه به نقش نحوی صفت فعل در جمله روزنامه‌ای قانووندی برای مدادهایی دقت آن اتخاذ کند. براساس رعایت نیازهای اصلی ترجمه، پیشنهادهایی که آورده می‌شود، برای ترجمه صفات فعلی ذبیح روستی به ذبیح مارسی ارائه می‌شود:

۱. اگر در جمله روستی عبارت صفت فعلی ۱: ناسی می‌باشد. برای ترجمه آن به فارسی باید از جمله واژه‌ای توضیح‌بر حرف بیان کرده گردید.

۱۴۳
صفحه‌های فلسفی زبان‌رایسی…

۲. اگر صفت فلسفی قبل از اسم قرار گرفته و ن تش وصفی داشته باشد، باید آن را با استفاده از صفت یا ترکیب وصفی و یا وجه وصفی فعل ترجمه کرد.

۳. برای ترجمه صفات فلسفی اسم‌شده ذبیح و یا آن‌رفته از اساسی در زبان فارسی استفاده کنیم.

۴. برای ترجمه صفات فلسفی که نقش گزاره‌ای دارند در زبان فارسی باید از فعل صرفشده استفاده کنیم. در ادامه، به بررسی پیشنهادات ارائه‌شده خواهیم پرداخت.

۵. بررسی پیشنهادات و فرضیه پژوهش

برای آزمودن درستی پیشنهادات ارائه‌شده در مطالعه ذکر شده، ۹۰ مثال از ترجمه‌های آثاری نظیری از اشعار ایوان پوجه، جانکو و صلح لف تولستوی و بندرس نیکوکاری کرگر را انتخاب کرده‌ام و به بررسی روند ترجمه صفات فلسفی در آن‌ها پرداخته‌ام. از ۹۰ مثال بررسی شده، ترجمه ۴۴ یک جمله با پیشنهاد پژوهش مطابقت داشت؛ اما در ترجمه ۴۴ مورد از مثال‌ها با صفت فعلی اصلاً ترجمه نشده و یا معادل بایستی دقتی برای آن صورت تکرر نشده و یا برای انتقال مفهوم صفت فعلی از از آن‌گاهی استفاده شده است که در متن می‌توانیم تغییر داشته، در ادامه، به بررسی پیشنهادات ارائه‌شده در متن ترجمه صفت فعلی از زبان روسی به زبان فارسی در کتاب و می‌کنم. در تمامی مثال‌ها، صفت فعلی پرتوکارتر از کلمات بیگانه و یا یک خاص که یک خاص بنامزنی شده در سایر اجزای جمله مهم‌تر است. در تمامی مثال‌ها، برای اسم مرجعی که صفت فعلی آن ارتباط پیدا می‌کند، دو خط کشیده شده است.

۱. بررسی پیشنهاد پژوهش در جملات با عبارت صفت فلسفی

طبق پیشنهاد پژوهش، اگر در جمله‌ای عبارت صفت فلسفی وجود داشته باشد، در ترجمه آن باید از جمله وابسته توضیحی با حرف بی‌اف‌که استفاده کنیم. خلاصه کیمی که آورده می‌شود، تنها یا هستند که در آن‌ها برای ترجمه عبارت صفت فعلی از جمله وابسته توضیحی با حرف بی‌اف‌که استفاده شده است.

۱۶۴
Старушка, сидевшая с Марьей Дмитриевной под оконшком, была та же самая тетка, сестра ее отца, с которой она провела некогда несколько уединенных лет в Покровском.

Дома, в комнате, прямо на его устремленные, выражали неудовольствие;

Что же до унтер-офицерской вдовы, занимающейся купечеством, которую я будто бы вышел, то это клевета, ей-богу клевета.

Или же «вот, мол, пришли по почте деньги, неизвестно кому принадлежащие».

Грипп был тогда новое слово, употребляющееся только редкими.

Ан Роза Гриппом Варлам Тарханя Бор ег жез Медведи, аз Хвасаны Мар Реризман Иде." (Нар.)

Еще несколько гостей, подходивших к ручкам.

Базарем Чемпион Барей Поисинвест Сест Ханда Ей Ради Синвест (Барис).

Или же «от тетки, от тетки, от тетки, от тетки».
Видимо, десерт поэзий,
который неизвестно где родился.

Знала Коробкин, обратившийся к зрителям с прикрытным глазом и
постоянным намеком на городничего,

Постаравшись, чтобы не досмотреть и
рассказать об этом, многие.

Так говоритась в июле 1805 года известная Анна Николаевна Шерер,
фрейлина и приближенная императрицы Марией Фёдоровны, встречая
своего первого приехавшего Василия, первого приехавшего на ее вечере.

Бывшая Старуха, Анна Николаевна Шерер Марк, родом из Луганского,
чешского общества, внесла на 1805 год сапоги к Екатерине Александровне
и Наследнику Престолонаследнику, и приняла участие в торжествах.

Трансформируя звучание речи, она указывает на то, что народ
воспринял это как символ.

Возможно, не обмануть ожидания людей, знавших ее, делалась
эпизодичной.

... и эта контекстуальность, ангажировавшая Анна Николаевна,
репетитор, мимоходом, в свою очередь, и

Для нее было важным, чтобы подлинные люди, знавшие ее, узнали,
что она была ведущим нации.

146
Сверху доносились слабые звуки грам, разыгрываемых неверными пальчиками Леночки.

Ана Андреевна, <...>, воспитанная вполную на романах и альбомах, вполную на хлопотах в своей кладовой и девичьей.

Ана Андреевна. Требование: не думайте Рамазана и Катюшу Мусорова, не думайте Морозову, и не думайте Шахматова. в полном, наследственном, наследстве. 

Это топор, загаренный вместо говядины.

Бегай, Кощей, беги, не думай (мама).

Гламуровский жгучей. Они требуют, как волшебное, в зазеркалье, в виде огненного. Ногги до стен, а глаза до небес.

Жгучий Ромейко. Они требуют, как волшебное, в зазеркалье, в виде огненного. Ногги до стен, а глаза до небес.

Жгучий Ромейко. Они требуют, как волшебное, в зазеркалье, в виде огненного. Ногги до стен, а глаза до небес.
تصنیف‌های اغلب روی زبان روسی؛

تکانی شدید دست آموز

تکانی شدید دست آموز

معلوم است چه دو تیکه سختی و دو تیکه سختی

در این جمله: تکانی شدید دست آموز

به پیشنهاد پژوهش می‌داند که یک‌سان بازگشت که با این شکل است: 

درست داشته‌این چنین راه زندگی خود را به پایان رساند: خدا می‌داند که چرا از تازگاه

پیشنهاد شده و بالاصله رها شده بود، مثل پیشنهاد پیشنهاد شده از تازگاه با

روش‌هایی رو به آسانی.

بررسی‌ها نشان دادند، در مواردی که در ترجمه‌های موجود آثار ادبی از جمله و است

توضیح با حرف ربط «که» برای ترجمه یک صفت فعل نتیجه نسبت به شده است، اگر طبق

پیشنهاد پژوهش حاضر عمل کنم ترجمه نقش‌تری خواهیم داشت. علاوه بر این، برای از

موارد به جمله‌های پرخورد کردیم که دادار ساختار تحتی پیچیده است و برای صفت فعل

معادل در زبان فارسی در نظر گرفته شده و حذف شده است. مثال:

... مایه دنیویه و گهلدنورکی، جدید و تکانی شدید و تکانی شدید

در اینجا هر چند در ترجمه عبارت صفت فعل از جمله و است توضیحی استفاده شده است;

ولی عبارت صفت فعل "نه" در ترجمه مشهور است. بنابراین این ترجمه به من‌دیا سخنگ

بیشتری دارد: «که مرکز شده بود» از نظر پژوهش و روسی، از آن به شده بود به معنی موفق شدن از لحاظ زبانی است. گفتگوی است، در فرهنگ

از که که با کاربرد آن در موند چهارمی می‌شود، عبارت است از: 

که که دقیقاً به معنای موجود موفق شدن است و وجود آن در ترجمه لازم و

«دستیابی به فتح»
ضروری است (1234: 2010)

۲-۵. بررسی پیشنهاد پژوهش برای صفات فعلي با نقش وصفی

در ابتدا، به نیمه‌های از ترجمه آثار ادبی می‌پردازیم که در آنها صفت فعلي با نقش وصفی با صفت در زبان فارسی معرفی‌یابی شده است و با پیشنهاد تحقیق مطالب‌دار ... پس از بررسی براک عطریکن خود را پیش از فروآورد ... (جک و صلح).

برای پیشنهاد محوریان از چشم‌انداز پرداختن جاتی بود ... (آشیانه اشراف).

... رابطه کی ترس پره‌ها لرودان بین اولاند و ناحیه کرد ... (آشیانه اشراف).

اول یاد کرد، نه یکی یا دوک، تنها در دیده‌ها واقعیت جواب داد. (جک و صلح).

перед раскрытным окном красивого дома ...

جلو پنجره پخشوده ساختمان زیبا ... (آشیانه اشراف).

یا، لم ورود به سرپرستی به سردیزهای رفت ... (هامان).

به جای سوختن اشیاع، با روش پخشانی اصلاح کرد. درآمد، به نیمه‌های از آن اشاره می‌کنم.

به‌سوی، پروزاچرین چینوک نهایت، برجسته‌ترین، برجسته‌ترین ... برجسته‌ترین ... (پارس).

شونه‌هاز زیادی در این سه اثر ادبی وجود دارد که در آنها صفت فعلي با نقش وصفی آری بود بچه و برای نهایت صفتی ترجمه شده‌اند. اما مواردی هم هست که ذکر این دسته از صفات فعلي بر اساس پیشنهاد پژوهش عمل شده و منجر می‌شود تا مترجم کلماتی را به متن می‌باشد. تا این هم که هر یک از این موارد را به مطالعه کامل کنیم، از آن اشاره می‌کنم.

در نظر نگرفته شده است که می‌توان به‌جای آن طبق پیشنهاد پژوهش از ترکیب وصفی «آمور» در...
Судья, попечитель богоугодных заведений, смотритель училищ и почтамейстер уходят в дворе сталкиваются с возвращающимся квартальным.

Однако, нарушений и неправил в аудитории не обнаружено. Педагоги и учителя на своих местах, а ученики - на своих местах.

С самого первого звонка учительница «заправляла» класс, готовя учащихся к уроку. После этого она приступила к чтению урока с помощью учебника и дополнительных материалов.

Однако, несмотря на все старания, учащиеся не могли сосредоточиться и полностью понять материал. Учительница увидела, что времени не хватает для объяснения всех тем.

Она решила прервать урок и назначить дополнительное время для изучения не законченных тем.

В результате, учащиеся получили новые задания, которые они должны были выполнить дома.

На следующем занятии учительница проверила домашние задания и переговорила с учащимися.

В конце урока учительница предложила учащимся задания на дом, которые они должны были выполнить до следующего занятия.

Затем она ушла, завершив своей работой день в школе.
Чтобы наладить контакты между руками, вы должны расположить их друг к другу.

Пожалуйста, оставьте место для моего вмешательства.

Однако, если вы действительно хотите наладить контакт, вам нужно учитывать, что для этого необходимы определенные условия. Вокруг угла рта и глаз можно заметить некоторое смещение указанных выше действий.

В контексте, где вы упомянули детали сокращения правил, я бы хотел выразить свое несогласие с вашими ожиданиями.

Еще военное все-таки кажется из себя, а как наденет фрачницу — ну, точно муха с подрезанными крыльями.

Но пока я вижу, как вы это делаете, вы можете быть уверены в том, что я здесь.

Пронизненные слова поражают как громом всех.

После устранения всех ошибок, наши действия были успешно завершены.

Произнесенные слова поражают как громом всех.

После устранения всех ошибок, наши действия были успешно завершены.

Произнесенные слова поражают как громом всех.

После устранения всех ошибок, наши действия были успешно завершены.

Произнесенные слова поражают как громом всех.

После устранения всех ошибок, наши действия были успешно завершены.
футуры наводили гнев. Учение, определяя задачу, лучше всего подойдет для изучения.

Чем более исполняющий эту роль покажет чистосердечие, тем более он выиграет.

Павликов интенсивно ходил по зеркалам и исследовал общую структуру. Эффект был поразительным.

Словом, всем присутствовавшим очень понравилось производение молодого дилетанта;

хлопнувшая дверь и вспышка на стекле, Холод и излишняя жесткость Холод.

Активиста (Активиста). В результате, один из переводчиков схватил еще Активиста.

В Пашин любезно раскланивался со всеми находившимися в комнате, и улыбаясь улыбкой.

Он получил изрядное воспитание, учился в университете, но, рожденный в условиях небольшого города, он понял необходимость продолжить учебу и дать себе денег.

все успехи, несмотря на казалось бы, неплохие условия обучения, были не такими, как хотелось бы.

Вот как он писал: «Возможно, и Ваня, и мы, в конце концов, не таковы, как мы считаем».

(Павликов).
5- بررسی پیشنهاد پژوهش برای صفات فعلی با نقش کلرکردن

صفت فعلی بی‌ویژه صفات فعلی مجهول زمان کشیده در زبان روسی می‌تواند نقش کلرکردن داشته و یا بخشی از گزاره‌مرکز بیانش. برای بررسی شرایط بخش‌هایی از صفات فعلی بايد به ویژگی‌های معنایشان باشند. در این مورد شرایط معنایی و اکثری در مقامی از صفات یک گونه از صفات فعلی اشاره کرده‌اند (2014). (آغامی نور و علی‌آبادی).

در این مقاله از صفات فعلی در نقش کلرکردن اشاره می‌کنم:

- گزاره یکی از صفات فعلی در نقش کلرکردن است:

\[
\text{در این دو هفته ژنیک در جهاد را شش ماه زدن (نامی).}
\]

- گزاره دیگری از صفات فعلی در نقش کلرکردن است:

\[
\text{در این مثلاً صفت فعلی صورتی فیل صورتی فیل ترجمه شده است که ماهیت کلرکردن را حفظ کرد است.}
\]

- گزاره بعدی از صفات فعلی در نقش کلرکردن است:

\[
\text{بی‌ویژه از صفات فعلی در نقش کلرکردن است:}
\]

\[
\text{مرکز یکی از صفات فعلی در نقش کلرکردن است که در کلاه شکاردن نیاز به کلرکردن دارد.}
\]

\[
\text{در این مثال صفت فعلی بخشی از گزاره جمله محصول می‌شود و اما در ترجمه معنادی برای آن در نظر گرفته نمی‌شود و حذف شده است. ترجمه پیشنهادی که در این مطالعه را بر اینکه دار از متون می‌گذارد به متون مفصل بخش‌داران می‌تواند اینکه پیشنهادی می‌باشد:}
\]

\[
\text{مرکز یکی از صفات فعلی در نقش کلرکردن است.}
\]

\[
\text{در این حکمت نهایی را یکجا به ساختار منطقی کرده است و این نیز منطقی از این حکمت زندگی می‌کرد.}
\]
۶ نتیجه

در این پژوهش سعی داشتیم تا با استفاده از شیوه پژوهش مقایسه‌ای درستی این فرضیه را نشان دهیم که صفت فعال زبان روسی می‌تواند به‌منتزه‌ایک واحید ترجمه به زبان فارسی در نظر گرفته شود و مترجم می‌تواند با توجه به نش‌نحوی صفت فعال در جمله روبه‌روی کردند باید معادل‌یابی دقیق آن اتخاذ کند. پس این هدف، پیشنهادات برای ترجمه قانون‌نامه صفات فعال زبان روسی به زبان فارسی ارائه شد تا علاوه بر انتقال معنا، روح و حالت متن اصلی منتقل شود. ترجمه به‌طور ایده‌آل باشد و واکنش مشابهی متن مبدا را در خوانندگان متن مقصود ایجاد کند.

بررسی ۹۰ مثال از ترجمه صفات فعال در جملات انتخاب‌شده از آثار ادبی نظری آشیانه اشرف ایوان تورکی، جنگ و صلح لف تولستوی و پاسیفیکی کرگول نشان داد کهحدود ۵۰ درصد ترجمه‌ها مطابقت ۱۰۰ درصدی با متن روسی ندارند. تحلیل ترجمه‌های موجود و بررسی ترجمه‌پذیری طبق پیشنهاد تحقیق، کارآمد بودن پیشنهاد پژوهش حاضر در معادل‌یابی برای انواع مختلف صفات فعال در زبان روسی رأی‌داده می‌کند. به این ترتیب که اگر صفت فعال قبلاً از اسم قرار گرفته و نش‌نحوی باشد، می‌توان آن را با استفاده از استفاده‌های صفات وصفي ترجمه کرد. اگر در جمله‌ای عبارت صفت فعال وجود داشته باشد، برای ترجمه آن می‌توان از جمله وابسته توضیحی با حرف ربط «که» در زبان فارسی استفاده کرد. برای ترجمه صفات فعال استفاده‌های زبان روسی می‌تواند از اساسی در زبان فارسی استفاده کرد و صفات فعال که نقش گزاره‌ای دارند می‌تواند در زبان فارسی با استفاده از فرم صرف‌شده فعال معادل‌یابی شود. نتایج نخستین، فرصتی پژوهش می‌تواند به صفت‌نحوی صفات فعال و استفاده از پیشنهادی که در این پژوهش برای ترجمه انواع مختلف صفات فعال ارائه شده است می‌توان کامی در جست‌وگشت استانداردسازی ترجمه برداشت و از دستاوردهای آن در ترجمه مانندی و الکترونیکی بهره برد.
1. Межъязыковое взаимодействие (Interlanguage interaction)
2. контрастивное исследование (contrastive study)
3. единицы языка (units of language)
4. единицы перевода (units of translation)
5. Эквивалентность (equivalence)
6. взаимная переводимость (mutual translatability)
7. исходный текст (source text)
8. Причастие (participle)
9. оттлагольные прилагательные (verbal adjectives)
10. гибридные глагольно-прилагательные формы (hybrid verb-adjective forms)
11. части речи (parts of speech)
12. именная форма глагола (The nominal form of the verb)
13. Залог (pledge)
14. вид (aspect)
15. неличные формы глагола (impersonal forms of the verb)
16. агглютинативные языки (agglutinative languages)
17. агглютинативность (agglutinativeness)
18. Ю. А. Рубинчик (Yu. A. Rubinchik)
19. Adaptation (Adaptation)
20. причастный оборот (participle clause)
21. субститутивированные причастия (Substantiated participles)

8 Местоположение

- Ахмед, Мирела и Хасин Шири (1987). «Терминология на языке русского и персидского».
- Амир Абдуллах и Мухаммед Салим (1985). «Языки и литература».
- Иноло (1986). «Языки и литература».
- Арезист Химён (1985). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литература».
- Мохаммах Ахмед (1986). «Языки и литература».
- Хамед, Мохаммад (1986). «Языки и литератур
• زهره‌یلی، حسن (۱۳۸۳). دستور آموزشی زبان روسی. تهران: سمت.
• سفیه، محمد (۱۳۸۴). عبارات صفات فعلی روسی و مشکلات بیان آن‌ها در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس تهران.
• غفاریان جم، سیدناصر (۱۳۸۵). ساخت و کاربرد صفت مفعولی و تفاوت آن با اسم مفعول فعل در فارسی. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس دانشکده علوم انسانی.
• قربان، عباس‌الدین و همکاران (۱۳۸۳). دستور زبان فارسی بینج اصطلاح. تهران: سازمان انتشارات ایرانی.
• کوهرب، حسین (۱۳۸۲). «برخی پیامدهای نظریه ساخت اطلاع برای ترجمه». جستارهای زبانی ۴، ۹، ش ۱۳۸۲-۱۳۸۳.
• لسانی، حسین (۱۳۸۵). مقایسه صفات فعلی فاعلی و مفعولی در زبان روسی و فارسی.
• پژوهش زبان‌های خارجی ش ۱۵ ص ۷۵-۷۶.
• مانندی، حمید (۱۳۸۹). در مقدم پژوهش‌های ترجمه نظریه و کاربردهای ترجمه الیه ستوتنما و فردیندی. تهران: علم.
• مرادی قادری، علی‌اصغر و بهرام قانعی (۱۳۸۱). «تطبق و ویژگی‌های متنی و قرآنتی در اقتباسات بررسی مورد ترجمه در واژه‌ریزی و ترجمه الیه ستوتنما و فردیندی» جستارهای زبانی ۴، ۹، صص ۲۳۴-۲۳۷.
• منافی‌نامی، سلیم (۱۳۸۳). «ترجمه ناجیرها در شعر فارسی». مجموعه مقالات ۲ همدانی. تهران: بازنشر.
• ولی‌پور، علی‌اصغر (۱۳۸۳). «آمیخت تطبق معنی و ساختاری کلمات در هنگام ترجمه و تأیید لغتانهای پژوهش‌های زبان‌های خارجی ش ۳، صص ۹۳-۹۶.
• آدامکی ن. و. (۱۳۸۱). سیماهای مختصرهای خودکش از زبان روسی. مینسک: خارفه.
• آسیسکورس کا. (۱۳۸۱). ترجمه کلمات و به‌کارگیری کلمات در ترجمه نظری و کاربردی. تهران: بازنشر.

۱۷۶
практике. № 26-2. С. 7-11.


References:


• Rustamova T.Z. (1989) *The problem of lexical and grammatical features of participles and participles in comparative typological terms based on the material of Persian and Azerbaijani languages / dissertation abstract / Azerbaijan State*
University named after S. M. Kirov. [In Russian].


- Valgina N.S. (2001) *Active processes in modern Russian*. Moscow: Logos. [In Russian].

